

چهره‌های جهانی تعلیم و تربیت

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت،
کمینیوس، روسو، پستالوزی،
هربارت، فروبل، ماکارنکو، جان
دیویی، مونته سوری، ژان پیازه،
بنجامین بلوم، الیوت ایزنر.

دکتر محمد آرمند
عضو هیئت علمی سازمان سمت
اشاره

بعد از قرون وسطا، در دوره جدید، شرایطی به وجود آمد تا دانشمندان و صاحب‌نظران، به «کودک» به عنوان موجودی که ویژگی‌های خاص دارد و نمی‌توان با او مثل بزرگ‌سالان رفتار کرد، نگاه کنند. اگرچه بسیاری از نظرات این دانشمندان در قرن‌های هفدهم و هجدهم قابل اجرا نبود، ولی به تدریج در نظام آموزش و پرورش در قرن بیستم به کار گرفته شد و تا امروز هم مورد توجه است. ما به عنوان معلم، باید همواره آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم و در عمل در کلاس‌ها به کار ببریم. در این مقاله، زندگی‌نامه و عقاید و افکار یازده تن از این صاحب‌نظران شامل کمینیوس، روسو، پستالوزی، هربارت، فروبل، ماکارنکو، دیویی، مونته سوری، پیازه، بلوم و آیزنر به طور مختصر آمده‌است. همان‌گونه که ذکر شد، اینان کسانی‌اند که افکارشان در شکل‌گیری تعلیم و تربیت جدید در جهان مؤثر بوده‌است.

کمینیوس (۱۵۹۲-۱۶۷۰) (comenius)



کمینیوس، یکی از مریبان‌بزرگ تعلیم و تربیت اروپا در قرن هفدهم میلادی و یکی از بنیان‌گذاران تعلیم و تربیت جدید مغرب زمین است. او که زندگانی خود را در میان آشوب و جنگ‌های مذهبی و چه بسا دور از سرزمین خویش در آوارگی گذراند، از دوران مدرسه خود تجربه‌های تلخی اندوخت. از این جهت با فراهم آوردن محتوایی نو برای تدریس در مدارس و ابداع روش‌های تازه تدریس، اصلاحاتی در زمینه تعلیم و تربیت به عمل آورد. از سوی دیگر، حوادث دل‌خراش و مصیبت‌بار جنگ‌های سی ساله اروپا، او را به این نتیجه رساند که ریشه تمام دردها، مفاسد اجتماعی و حتی بین‌المللی، در نبود تعلیم و تربیت کافی و صحیح است. لذا برای تسکین آلام و درمان بیماری‌های اجتماعی، پیشنهاد کرد همگان باید از تعلیم و تربیتی عمومی و همه جانبه برخوردار شوند. نظرات کمینیوس از جمله، برابری انسان‌ها در برخورداری از تعلیم و تربیت، مساوات دختران و پسران و باز بودن مرزها برای تبادلات فکری، برای مردم آن زمان بسیار تازگی داشت. او که اولین کتاب درسی مصور را در سال ۱۶۵۸م تهیه کرد، درباره روش آموزش، شش اصل زیر را بیان کرده است:

۱. طبیعت هر کاری را در زمانی مناسب انجام می‌دهد.
۲. در طبیعت، ماده بر صورت مقدم است؛ چنان‌که موجود زنده نخست تخم یا جنین بی‌شکل است و پس از آن، موجودی با شکل معین می‌شود.
۳. طبیعت راه خود را گام به گام می‌پیماید.
۴. تحول طبیعی همواره از درون صورت می‌گیرد.
۵. طبیعت در پدید آوردن چیزها، از حالت کلی آغاز می‌کند و به

سوی حالت جزئی می‌رود.

۶. طبیعت هر چیزی را برای مقصودی پدید می‌آورد.

کمینیوس با توجه به اصول فوق، نتیجه می‌گیرد: «بهترین دوره تربیت، دوره کودکی است. موضوعات درسی باید متناسب با سن دانش‌آموزان انتخاب شود. در آموزش هم باید ابتدا به خود اشیاء سپس به واژه‌ها و مفاهیم پرداخت.

در آموزش زبان هم خواندن متن باید پیش از بیان قاعده کلی و دستور زبان باشد. به همین طریق که کودک قواعد زبان را از راه مطالعه می‌آموزد، می‌توان قواعد زبان را در حین خواندن متن و مطالعه به او یاد داد. کمینیوس عقیده داشت، در هر گونه آموزش، باید ابتدا با نمونه‌ها آشنا شد و پس از آن با قواعدها و قانون‌ها.

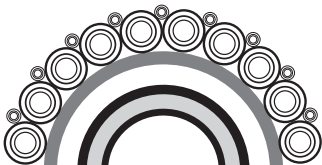
روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) (Rousseau)



ژان ژاک روسو، در سال ۱۷۱۲م در ژنو متولد

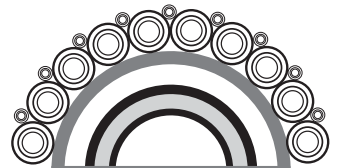
شد. او زندگی پر حادثه‌ای داشت و بخشی از عمر خود را در سرگردانی گذراند. کتاب‌هایش را چندین بار سوزاندند. اما او همه را دوباره نوشت و به هر ترتیب بود عقاید و نظرات خود را منتشر کرد. دو کتاب «امیل» و «قرارداد اجتماعی» از آثار مشهور روسو، به زبان‌های گوناگون ترجمه شده‌است. روسو بیشتر سال‌های عمر خود را در شهرهای گوناگون گذراند. دیدگاه‌ها و نظرات مهم او به این شرح است:

در کتاب «امیل» و سایر آثارش، به عالم طبیعی اعتقاد فراوانی دارد و معتقد است، هر چیزی به همان صورتی که پرورده قدرت آفریدگار جهان است، خوب است. ولی متأسفانه هر چیزی در دست انسان تغییر ماهیت می‌دهد. انسان در طبیعت نیک است، ولی جامعه او را بد می‌کند. انسان در حالت طبیعی آزاد است، ولی جامعه او را به بردگی



احمد زاهدی (۱۳۴۲، ساوه)
معلم نمونه کشوری ۱۳۹۰
استان مرکزی

احمد زاهدی در این تاریخ مدیر دبیرستان نمونه آوا در شهرستان ساوه است. ۲۹ سال سابقه خدمت دارد و دارای مدرک کارشناسی فقه و حقوق است. وی همچنین مدرک فوق‌دیپلم آموزش ابتدایی دارد. بیشترین مدت خدمت او تاکنون، در معاونت و مدیریت بوده‌است. پارهای از خدمات و موفقیت‌های آقای احمد زاهدی به شرح زیر است:
کسب رتبه اول تفسیر قرآن کریم در سطح شهرستان؛ معلم نمونه منطقه (سه سال)؛ عضو ناظران مدرسه غیرانتفاعی و عضو کمیته برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ساوه.



عبدالرضا امینه‌برازجانی
(۱۳۴۷، برازجان)
معلم نمونه کشوری ۱۳۹۰
استان بوشهر

عبدالرضا امینه‌برازجانی مدیر مدرسه راهنمایی باقرالعلوم برازجان است. وی پیش از این معاونت آموزش و پرورش این شهرستان و مدیریت کانون فرهنگی - تربیتی برازجان را به عهده داشته است. امینه‌برازجانی مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی دارد، ولی عمده فعالیت او در حوزه فعالیت‌های قرآنی است. وی در دفاع مقدس شرکت داشته و جانباز ۶۰ درصد است. این عامل و عوامل دیگری چون حفظ قرآن، شرکت در کلاس‌های آموزش قرآن، مدیریت کانون قرآن و عترت دشتستان و... موجب شده است که در سال گذشته، از استان بوشهر به عنوان معلم نمونه کشوری معرفی شود.

می‌کشاند. از نظر وی، هر گونه تعلیم و تربیت اگر بخواهد با طبیعت هم‌نوا شود، باید به کودک احترام بگذارد و به خواسته‌های طبیعی او توجه کند. از آن‌جا که کودکان از نظر طبیعی با یکدیگر متفاوت‌اند، آموزش و پرورش نیز باید فردیت کودک را مورد توجه قرار دهد. روسو توصیه می‌کرد: «کار تعلیم و تربیت را با شناختن دانش آموزان آغاز کنید!» به عقیده وی، قبل از این که کودک توانایی فهمیدن به دست آورد، نباید به او چیزی آموخت. آموزش و پرورش کودک باید کمتر گفتاری و بیشتر حسی و تجربی باشد. به عبارت دیگر، به جای این که کودک مطلبی را به طور مستقیم از کتاب بیاموزد، می‌تواند آن را از طریق تجربه مستقیم فراگیرد. پاهای، دست‌ها و چشم‌ها، نخستین معلمان کودک هستند و جانشین کردن کتاب به جای آن‌ها، به منزله آن است که بخواهیم کودک کاربرد عقل و خرد را از دیگران بیاموزد. روسو می‌گوید: «انسان به وسیله سه استاد تربیت می‌شود: طبیعت، اشیا و انسان‌های دیگر؛ و تربیت آن‌گاه به درستی صورت می‌گیرد که تأثیرهای گوناگون این سه استاد، با هم هماهنگ باشند.»

روسو معتقد است: «آموزگار خوب کسی نیست که در کمترین زمان، بیشترین چیزها را آموزش می‌دهد، بلکه کسی است که شوق به آموختن و فهمیدن را در شاگرد برمی‌انگیزد، زیرا هدف آموزش و پرورش، گردآوری و انباشتن اطلاعات در ذهن کودک نیست، بلکه هدف توانایی اندیشیدن و فهمیدن است. انسان در اثر تربیت باید چنان بار آید که بتواند در کارهای گوناگون وظیفه خود را، هم چون یک انسان، صحیح انجام دهد، در شرایط گوناگون درست رفتار کند و با خوب زندگی کردن آشنا شود.»

افکار روسو در آن زمان مورد پذیرش بسیاری از افراد قرار نگرفت و پارلمان پاریس کتاب «امیل» را مغایر با مذهب و مصلحت کشور دانست و دستور سوزاندن آن را صادر کرد.

پستالوزی (۱۸۲۷-۱۷۴۶) (Pestalozzi)

هانریش پستالوزی از مریبانی است که آثار متعددی تألیف و آرای خود را از طریق این آثار منتشر کرده است. او به کودکان بی سرپرست و محرومان خدمات فراوانی کرد و بخشی از مزرعه خود را به مدرسه تبدیل کرد و در آن به تعلیم و تربیت کودکان مستمند پرداخت. او بر این عقیده بود که افراد بزه‌کار فطر تا انسان‌های بدی نیستند، بلکه شرایط اجتماعی آنان را مجبور به بزه‌کاری کرده است. پس با هدایت و کمک به آنان، می‌توان به راه راست هدایتشان کرد. دیدگاه و نظرات مهم تربیتی وی به این شرح است: تعلیم و تربیت رشدی طبیعی، فزاینده و هماهنگ دارد که شامل تمام توانایی‌ها و استعدادها و کودک می‌شود. جسم، ذهن و عاطفه باید به طور توأم پرورش یابند.

مبنای روش پستالوزی این بود که می‌گفت: «حواس ما، مخازن دانش ما هستند». این عقیده موجب شد که وی اشیای واقعی را در درس بگنجاند. این روش به «درس عینی» شهرت یافت. در این روش، کودک مشاهدات و تجارب عملی خود را به شیوه‌ای تحلیلی و مطابق با آن‌چه در گنجینه حواس دارد، درک می‌کند. به علاوه، هدف، تنها آشنایی با مجموعه‌ای از حقایق نیست، بلکه کاربرد آن‌ها نیز باید مورد توجه باشد. از این رو، در آموزشگاه‌های پستالوزی، کارهای عملی و آموزش‌های حرفه‌ای هم به عنوان منبعی برای زندگانی اقتصادی کودکان و هم به عنوان پایه آموزش‌های نظری، اهمیت و نقش داشتند. آموزش‌های دینی و اخلاقی نیز مورد توجه پستالوزی

بود. او در این زمینه چنین گفته است: «انسان آن‌گاه خدا را می‌شناسد که خود را بشناسد. هیچ‌کس نمی‌تواند تنها از راه گفتار کسی را به سوی دین هدایت کند. این کار با کردار و عمل ممکن است. چه سودی دارد به کودک یتیم بگویم که در آسمان پدری دارد. اگر کودک یتیمی را مانند فرزند خود بزرگ کنید، به او آموخته‌اید که پدری در آسمان‌ها دارد؛ همان خدایی که شما را چنان آفریده است که کودک یتیم را هم چون فرزند خود بنگرید.»

پستالوزی در آموزش، محبت را اساس کار خود قرار می‌داد و انضباط خشک و توأم با خشونت را که در آن زمان رایج بود، رد می‌کرد. او بخش عمده‌ای از فعالیت‌های خود را به تربیت معلمان اختصاص می‌داد و همواره معلمان برای آموختن روش وی، از نقاط گوناگون جهان به نزد او می‌آمدند. وی اهل سوئیس بود.

هربارت (۱۸۴۱-۱۷۷۶) (Herbart)

هربارت مربی آلمانی بود که مطالعات عمیقی در فلسفه آموزش و پرورش داشت و مدت‌ها به تدریس آن پرداخت. وی از شخصیت‌هایی بود که می‌خواست تعلیم و تربیت را بر پایه‌های علمی استوار قرار دهد. به این منظور، آن را به صورت رشته‌ای علمی و دانشگاهی درآورد. حتی یک مدرسه تجربی تأسیس کرد و عقاید و افکار خود را در آن به آزمایش گذاشت.



هربارت بر این عقیده بود که: «آموزش درست آن است که به رابطه‌های کودکان همراه باشد؛ زیرا علاقه و توجه با یکدیگر ارتباط نزدیک دارند». او توجه را دو نوع می‌دانست: یکی **توجه خود به خودی** که کودک آزادانه و به میل خویش بروز می‌دهد و دیگری توجه اجباری که کودک به سوی آن برانگیخته می‌شود. هربارت حفظ کردن حقایق را به صورت مرتبط با هم توصیه می‌کرد. او برای تدریس مراحل قائل بود: ۱. **آمادگی**: کودک یا فراگیرنده برای یادگیری و شناخت باید به موضوع مورد یادگیری علاقه داشته باشد و در این مرحله، ذهن او باید برای آموختن آماده شود.

۲. **ارائه مطالب**: در این مرحله، مطالب تشریح و درس ارائه می‌شود.

۳. **ربط یا تداعی**: در این مرحله، کودک مطالب جدید را با آموخته‌های قبلی خود ارتباط می‌دهد و تشابهات و تفاوت‌های دانستنی‌های قبلی با درس جدید را مشخص می‌کند.

۴. **تعمیم**: این مرحله، شامل تدوین قواعد، اصول و تعریف‌هاست.

۵. **کاربرد**: در این مرحله، دانش آموز باید استنباط خود را از اصول کلی که در مرحله چهارم به دست آورده است، به آزمایش بگذارد و عملاً آن را به کار گیرد.

طبق نظر هربارت، **آموزش** به معنی دقیق آن، فراهم آوردن زمینه پدید آمدن اندیشه‌های تازه و پیوند دادن آن‌ها با اندیشه‌های پیشین است. به عقیده وی، آموزش پایه پرورش است؛ زیرا با سازمان دادن به اندیشه‌ها، دل‌بستگی و انگیزه پدید می‌آید و در چگونگی رفتار و منش تأثیر می‌گذارد و دامنه این تأثیر به جنبه‌های ذوقی و اخلاقی گسترش می‌یابد.

فروبل (۱۸۵۲-۱۷۸۲) (Frobel)

فروبل، مربی بزرگ آلمانی، دوران کودکی را با سختی گذراند و چون والدینش از او انتظار درستی نداشتند، به صورت مردی کم‌رو و درون‌گرا درآمد. فروبل سال‌ها از شغلی به شغلی دیگر می‌پرداخت تا این که در مدرسه کوچکی واقع در **فرانکفورت** به تدریس پرداخت و از آن‌جا به شغل معلمی علاقه‌مند شد. او برای مطالعه در روش آموزش پستالوزی که در آن زمان معروف بود، به سوئیس سفر کرد و پس از مطالعه به آلمان بازگشت و خود در سال ۱۸۱۶م، مدرسه کوچکی بر اساس روش آموزش پستالوزی دایر کرد و به تدریج به شرح دیدگاه‌ها و نظرات تربیتی خود و تألیف کتاب و مقاله پرداخت. فروبل اولین بنیان‌گذار مهدکودک به نام **باغ کودک‌کان** (kindergarten) بود.



از نظر فروبل «تعلیم و تربیت باید شخصیت کودک را رشد دهد و اساساً این رشد باید خودجوش باشد. از این‌رو، او برنامه‌های کودکستان خود را طوری سازمان داد که کودک را به طور خودجوش به فعالیت و امی داشت. حرکت، بازی، شعر، شناخت رنگ‌ها، داستان و انواع فعالیت‌ها، اساس کار کودکستان وی بود. او سه نوع مواد ویژه را در آموزش به کار می‌گرفت: شعرهای کودکانه، اسباب‌بازی و سرگرمی. با اسباب‌بازی و سرگرمی، کودکان فعالیت‌های جسمی می‌کردند. اسباب‌بازی‌ها در آن زمان به شکل‌های متفاوت ساخته می‌شد. ابزارهای سرگرمی هم از موادی بود که قابلیت شکل‌پذیری داشته باشند؛ مانند گل رس، شن و مقوا. فروبل روی داستان هم بسیار تأکید داشت. پس از این که معلم داستان را نقل می‌کرد، اثر آن در بیان کودک، در شعرهایش و در بازی‌های او نمایان می‌شد. فعالیت‌های عملی فروبل در آموزش، موجب توجه فراوان مردم به آموزش عملی شد. به عقیده فروبل، کار و نقش مربی تنها راهنمایی و هدایت شاگردان است. وی عقیده داشت، در ذات هر موجودی، غایتی نهفته که با او آفریده شده است؛ ولی رسیدن به این غایت، با تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد. تربیت نیز یک مقصد دارد و آن پروردن طبیعت حقیقی و خدایی انسان و نمایان کردن جنبه‌های ابدی و بی‌پایان اوست.

ماکارنکو (۱۸۸۸-۱۹۳۹) (Makarenko)

ماکارنکو در روستایی واقع در اوکراین روسیه متولد شد. پس از طی دوره تعلیمات عمومی، یک دوره تربیت معلم یک‌ساله را گذراند و در مدرسه‌ای مشغول تدریس شد. در نخستین سال تدریس، شاهد انقلاب ۱۹۰۵م در روسیه شد و برای پی بردن به علل انقلاب، به مطالعه کتاب‌های مارکسیستی پرداخت. در سال ۱۹۱۴م وارد **مؤسسه معلمان** شد و در سال ۱۹۱۷م با دریافت نشان طلا از آن‌جا فارغ‌التحصیل شد.



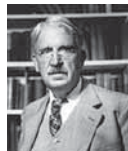
آن‌گاه مدیریت مدرسه‌ای ابتدایی را برعهده گرفت و توانست کار مدرسه را با فعالیت‌های کشاورزی درهم آمیزد. سپس مسئولیت تربیت کودکان آواره بر اثر جنگ جهانی اول و جنگ‌های داخلی سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۲۱ به وی واگذار شد. ماکارنکو با کوشش فراوان و با تشکیل مؤسسه تربیتی جمعی، به تربیت آن کودکان پرداخت و طوری عمل کرد که شیوه تربیتی او در این مؤسسه به عنوان الگو در آموزش و پرورش مطرح شد.

ماکارنکو با تربیت شاگردان فراوان، پذیرش مسئولیت چندین

مؤسسه بزرگ تربیتی و تألیف آثار ارزشمند، به شهرت جهانی رسید. از دیدگاه ماکارنکو، مربیان باید هدف‌های خود را از مطالعه نیازهای جامعه به دست آورند. تعلیم و تربیت باید متوجه رشد عقلانی، آموزش حرفه‌ای، سیاسی و اخلاقی باشد. انسان تربیت یافته باید سواد و اطلاعات سیاسی داشته و فعال باشد. از نظر شخصی هم منضبط، متعادل، مصمم، آینده‌نگر و به اهداف و رفتار جمعی پای‌بند باشد. ماکارنکو مروج تربیت جمعی بود و ویژگی‌های این نوع تربیت را چنین برشمرده است: «مؤسسه تربیتی جمعی، فقط محلی برای گرد هم آمدن عده‌ای شاگرد در یک محل نیست، بلکه ساز و کار اجتماعی خاص دارد. در محیط جمعی خیلی از مهارت‌ها را دانش‌آموزان از یکدیگر می‌آموزند؛ مهارت‌هایی که به صورت انفرادی نمی‌توان آن‌ها را آموخت.

جان دیویی (۱۸۵۹-۱۹۵۲) (John Dewey)

جان دیویی در نوجوانی فوق‌العاده کم‌رو و کم‌حرف بود. در آغاز جوانی، دوره دبیرستان و سال‌های نخست دانشگاه، هوش و استعدادی قوی از خود نشان داد؛ به گونه‌ای که هنگام تحصیل در دبیرستان در حد متوسط بود و احتمال آن نمی‌رفت بتواند برای تحصیلات عالی وارد دانشگاه شود؛ اما به هر حال به دانشگاه راه یافت و در سال‌های آخر تحصیل بود که نشانه‌های خلاقیت فکری و فعالیت فلسفی او بروز یافت. دیویی پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه، آرا و نظرات تربیتی خود را مطرح کرد. او در دانشگاه شیکاگو مدرسه‌ای تأسیس کرد که حکم آزمایشگاه را داشت. سپس به دانشگاه **کلمبیا** رفت و در تألیفاتش، اندیشه‌های تربیتی خود را منتشر کرد. از آن پس افکار و نظرات وی در تحولات آموزش و پرورش در سطح جهان مؤثر واقع شد. مقالات و کتاب‌های فراوانی از دیویی به چاپ رسیده که تعدادی از آن‌ها به سایر زبان‌ها و از جمله زبان فارسی ترجمه شده است. بخشی از دیدگاه‌ها و نظرات تربیتی مهم دیویی به شرح زیر است:



تجربه و تفکر در تربیت بسیار مهم تلقی می‌شود. اثبات‌شدن اطلاعات بی‌معنی در ذهن، یادگیری و فهم واقعی نیست. یادگیری واقعی از طریق تجربه، یعنی تأثیر و تأثر متقابل فرد با جامعه صورت می‌گیرد. از نظر او در مدرسه باید مسائل اجتماعی که برای دانش‌آموزان ملموس است، مطرح شود و دانش‌آموزان نحوه حل کردن مسائل و مشکلات را یاد بگیرند. بنابراین، معلم باید از دانش‌آموزان بخواهد مسائل و مشکلات را (در سطح خودشان) حل کنند و راه حل مسائل را یاد بگیرند. او روش حل مسائل و تحقیق کردن را شامل پنج مرحله دانسته است.

در **مرحله اول**، انسان با مسئله یا مشکلی برخورد می‌کند.

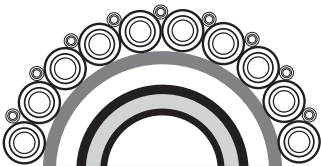
در **مرحله دوم**، به پاسخ‌های مسئله و راه حل مشکل فکر می‌کند و پاسخ‌هایی را در نظر می‌گیرد.

در **مرحله سوم**، اطلاعاتی درباره آن مسئله گرد می‌آورد.

در **مرحله چهارم**، به کمک آن اطلاعات راه حل را می‌جوید.

در **مرحله پنجم**، راه حل نهایی صحیح را انتخاب و مشکل را حل می‌کند.

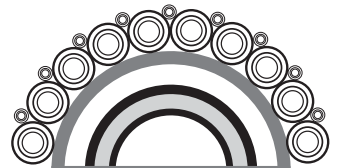
دیویی معتقد است که «هدف تربیت نباید ثابت باشد، بلکه باید متناسب با شرایط، متغیر باشد. هدف عمده تربیت، رشد و توسعه است که فرایندی مستمر است».



معصومه کفایی
(۱۳۵۲)، سعدآباد پوشهر
معلم نمونه کشوری ۱۳۹۰
استان پوشهر

خانم معصومه کفایی در حال حاضر مدیر مدرسه نمونه حضرت زینب در پوشهر است. ۱۸ سال سابقه کار دارد که بیشتر آن در مدیریت سپری شده است. وی مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد پوشهر دارد. از معلمان فعال منطقه است و در امور اجتماعی با نهادهای مربوط همکاری دارد. در امور تحصیلی و شغلی خود نیز موفقیت‌های خوبی داشته است: در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، رتبه‌های اول و سوم را آورده است. دو سال مدیر نمونه منطقه‌ای شده و یکبار هم بانوی نخبه شهرستان. وی دلایل موفقیت خود را ایمان به خدا، داشتن همسری شایسته و همیشه همراه، همکاری توانمند و استفاده از فرصت‌ها به نحو شایسته می‌داند.

■ **مونه سوری**
آموزش خواندن و نوشتن به کودکان تا قبل از شش سالگی را مفید نمی دانست. وی در آموزش خواندن و نوشتن روش دقیقی به کار می برد و می کوشید تا هر نوع آموزش مستقیم و تقلیدی را حذف کند



سید حجت خوش کردار (م. ۱۳۴۱، ا. م. سادات) معلم نمونه کشوری ۱۳۹۰ استان گیلان

حجت خوش کردار در ناحیه ۲ رشت خدمت می کند و در حال حاضر مدیر دبستان شاهد پسران است. ۲۹ سال سابقه کار دارد و ۲۶ سال از این مدت را مدیر بوده است. مدرک او فوق لیسانس مدیریت آموزشی است که از مرکز مدیریت دولتی و پژوهش و برنامه ریزی اخذ کرده است. وی اهل قلم و نویسنده نیز هست. از جمله، کتاب ورزش (۸۴) را تألیف کرده (نشر کیلارام) و دو مقاله با نام های «خود پنداره» و «اخلاقات یادگیری» نوشته که هر دو به چاپ رسیده است. خاطره ای از ایشان را در همین شماره رشد معلم بخوانید.

دیوبی پنج اصل را در تربیت بیان کرده است:

۱. **استمرار و پیوستگی:** تعلیم و تربیت که بر اساس تجربه است، استمرار و پیوستگی دارد و هر مرحله به مرحله قبلی و بعدی مربوط است.

۲. **رابطه متقابل:** در تجربه بین فرد و محیط، رابطه متقابل وجود دارد و آموزش یکطرفه نیست.

۳. **کنترل اجتماعی:** هر فردی به طور گسترده تحت کنترل اجتماعی است. این کنترل نباید احساس آزادی فرد را از بین ببرد. مربی نیز از تحمیل و کنترل شدید فردی باید جلوگیری کند و کنترل جمعی را بر محیط حاکم کند.

۴. **آزادی:** مربی باید رغبت ها و گرایش های کودک را در نظر بگیرد و با هدایت آن ها از اجبار و تحمیل خودداری کند.

۵. **هدف:** آموزش و پرورش صحیح باید هدف هایی قابل انعطاف و قابل تطبیق با شرایط و مقتضیات جدید و غیر تحمیلی و متناسب با رغبت های کودکان داشته باشد.

مونه سوری (۱۸۷۰-۱۹۵۲) (Montessori)

خانم ماریا مونه سوری نخستین زنی بود که در سال ۱۸۹۶م از دانشگاه رم در ایتالیا به دریافت درجه دکترای پزشکی نائل آمد. او سپس عهده دار تدریس تعلیم و تربیت کودکان استثنایی به معلمان در رم شد و خود نیز به تحصیل در زمینه های کودکان استثنایی، فلسفه و روان شناسی تجربی پرداخت. وی در رم «خانه کودکان» را تأسیس کرد و با انتشار کتاب «روش تعلیم و تربیت و فعالیت های گسترده در خانه های آمریکا»، آرا و نظریات خود را منتشر کرد. به علاوه، با تأسیس مرکز تحقیقات تربیتی کلیسای اطفال و فعالیت در **یونسکو**، بر دامنه فعالیت هایش افزود و به برخی کشورهای آمریکای شمالی، اروپایی و آسیایی سفر کرد. مقالات و کتاب هایش به اغلب زبان ها ترجمه و منتشر شده است.



مونه سوری، کودک را کاملاً آزاد می داند و لازمه آزادی را مداخله نکردن در کار های او بیان می کند. او عقیده دارد، فرد آزاد باید استقلال داشته باشد. لازمه داشتن استقلال این است که کودک شخصاً و بدون کمک گرفتن از دیگران، کار انجام دهد. تعلیم و تربیت مفید در خود جوش بودن آن است، به این معنی که وقتی کودک با وضعیت کلی وظیفه اش آشنا می شود، می تواند خود به تنهایی آن را ادامه دهد. چنانچه کودک اشتباه کند، فرصت خواهد داشت خطای خود را کشف و برطرف سازد. در مدرسه مونه سوری، کودک فعالیت مورد علاقه خود را برمی گزید و آن را بدون دخالت دیگران انجام می داد، مگر این که آن فعالیت باعث مزاحمت سایر کودکان می شد. او به تربیت حسی و عضلانی توجه داشت. هدفش این بود که از طریق تمرین هایی مانند دقت کردن، مقایسه کردن و تمیز دادن، حواس کودک را تقویت کند. این مربی آموزش خواندن و نوشتن به کودکان تا قبل از شش سالگی را مفید نمی دانست. وی در آموزش خواندن و نوشتن روش دقیقی به کار می برد و می کوشید تا هر نوع آموزش مستقیم و تقلیدی را حذف کند. او همواره از نوشتن آغاز می کرد و معتقد بود که کودک در نوشتن، از وجود درونی خویش، از آن چه می شناسد، از آن چه فکر می کند و کلمه ای که در ذهنش هست و باید بیان شود، شروع می کند؛ در حالی که در خواندن، کلمه به عنوان چیزی خارجی است که باید فرا گرفته شود.

ژان پیاژه (۱۸۹۶-۱۹۸۰) (John Piaget)

ژان پیاژه در شهر **نوشاتل** سوئیس به دنیا آمد. او پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، به تحصیل در زیست شناسی و فلسفه پرداخت و درجه دکترای خود را در رشته جانور شناسی دریافت کرد. وی با توجه به علاقه خود، به تحقیق و تفکر در علوم انسانی و بویژه در روان شناسی کودک پرداخت و **با ادوارد کلاپارد** که از روان شناسان و محققان معروف به شمار می رفت و رئیس مؤسسه علوم تربیتی



معروف به **مؤسسه ژان ژاک روسو** بود، همکاری کرد. در سال ۱۹۴۰م پس از وفات کلاپارد، جانشین وی شد و علاوه بر آن، به تدریس در دانشگاه های ژنو و پاریس پرداخت. مدتی هم در دفتر بین المللی تعلیم و تربیت اشتغال داشت. وی آثار علمی، مقالات و کتاب های فراوانی تألیف کرد که تعدادی از آن ها به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. دیدگاه و نظریات مهم پیاژه به شرح زیر است: پیاژه با مطالعه روی هوش و مراحل رشد انسان، می گوید که اساسی ترین کارکردهای هوش، فهم و ابداع است و این دو از هم تفکیک ناپذیرند. وی مراحل رشد ذهنی را چهار مرحله می داند: **مرحله اول:** حسی - حرکتی که از تولد تا دو سالگی را شامل می شود؛

مرحله دوم: هوش نمادی یا نشانه ای که دو تا هفت سالگی را شامل می شود؛

مرحله سوم: مرحله هوش عینی یا انضمامی که از هفت تا یازده سالگی را شامل می شود؛

مرحله چهارم: هوش نظری یا صوری که یازده سالگی به بعد را در بر می گیرد.

پیاژه هر یک از مراحل فوق را به اجزای کوچک تر تقسیم کرده است. به طور کلی، در مرحله اول، کودک تنها از ادراک حسی و حرکتی به عنوان ابزار استفاده می کند و قادر به تفکر و تصور نیست. در مرحله دوم، کودک می تواند اشیا یا رویدادهایی را که در زمان حال قابل ادراک نیستند، به وسیله علائم یا نشانه های متفاوت و از طریق یادآوری تصور کند. سخن گفتن و نقاشی کردن از آثار این مرحله است. در مرحله سوم، کودکان توانایی عملیات منطقی گوناگون را البته تنها در مورد پدیده های عینی به دست می آورند. در مرحله چهارم، فرد قادر می شود درباره واقعیتهای انتزاعی تفکر و امور را تجزیه و تحلیل کند.

مراحل رشد ذهنی پیاژه، در برنامه ریزی درسی و تهیه و تدوین مواد آموزشی و فعالیت های یادگیری برای کودکان کاربردهای فراوانی دارد. مثلاً مطالب باید متناسب با مراحل رشدشان به آن ها ارائه شود و مطالب انتزاعی نباید به کودکانی که به این مرحله سنی نرسیده اند، ارائه شود. به عقیده پیاژه، نظام آموزش و پرورش باید از یک سو، با روش های علمی، نیازها و ارزش های اجتماعی را تشخیص دهد و در برنامه ها و رشته های تحصیلی بگنجانند و از سوی دیگر، کودکان و نوجوانان را از لحاظ قدرت یادگیری بشناسد و با روش های مناسب، آنان را به هدف های تعیین شده نزدیک کند. پیاژه روی فعال بودن کودکان در امر آموزش تأکید می کند و به توصیه **روش فعال** در تدریس می پردازد. در آموزش کودکان، بویژه در سنین پایین هم آموزش های عملی و آموزش به کمک حواس را مورد تأکید قرار می دهد.

■ **بلوم به عنوان معلم، محقق و استاد، خدمات فراوانی ارائه کرد. از او هجده عنوان کتاب به چاپ رسیده که تعدادی از آن‌ها به زبان فارسی نیز ترجمه شده است**

یادگیری در حد تسلط

از دیگر نظرات مهم بلوم، «یادگیری در حد تسلط» است. طبق این نظریه، اگر روش تدریس هشیارانه و با نظم باشد، اگر در هنگام برخورد با مشکلات، به موقع به کمک دانش آموزان بشتابیم، اگر وقت لازم را برای یادگیری مطالب فراهم کنیم و اگر ملاک روشنی برای سنجش مطالب یادگیری تعیین کنیم، اکثر دانش آموزان به سطح بالایی از یادگیری نایل می شوند. بلوم و همکارانش در این باره تحقیقات فراوانی انجام دادند و موفقیت آن را آزمودند.

الیوت آیزنر (Elliot Eisner، ۱۹۳۳)

آیزنر از صاحب نظران برجسته تعلیم و تربیت در زمان ماست. یکی از موضوعات بسیار مهم در نظرات این دانشمند، نگاه هنری او به تعلیم و تربیت است. از نظر آیزنر، کارایی هنر در تعلیم و تربیت، فقط به گنجاندن درس های هنر در برنامه مدارس مربوط نیست، بلکه نگاه هنری باید به کل فرایند تعلیم و تربیت معطوف باشد. در واقع، آیزنر نگاه هنرمندانه یا زیبایی شناسانه را در فرایند یاددهی یادگیری بررسی کرده است. از این رو، نگاه وی به فرایند برنامه درسی و طراحی برنامه های درسی نیز هنرمندانه است. آیزنر تربیت هنری را (از نگاه خاص خود) آن قدر مهم تلقی می کند که معتقد است هشت نوع توانایی را می توان از طریق تربیت هنری تحصیل کرد این توانایی ها عبارت اند از:



۱. درک روابط. شکل های متفاوت درون اثر هنری، روی هم تأثیر می گذارند و با هم تعامل دارند.

۲. توجه به ظرافت. تفاوت های کوچک می تواند تأثیری وسیع و گسترده داشته باشد.

۳. وجود راه حل های متفاوت. مسائل و مشکلات را می توان از راه حل های متفاوت حل کرد و پرسش ها و پاسخ های متفاوتی برای آن ها در نظر گرفت.

۴. تغییر هدف ها در حین کار. هدف ها می توانند در طی فرایند یادگیری، تغییر کنند و اصلاح شوند.

۵. تصمیم گیری بدون وجود قواعد تعیین شده بدون داشتن قواعد. می توان فعالیت ها را خلاقانه انجام داد.

۶. به کارگیری تخیل. تربیت هنری موجب رشد قدرت تخیل در دانش آموزانی می شود.

۷. رفع محدودیت های رسانه از طریق هنر. هر رسانه محدودیت ها و مزایا و معایبی در بر دارد که باید محدودیت ها را از میان برداشت.

منابع

۱. بلوم، بنجامین، ویژگی های آلمی و یادگیری آموزشگاهی، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.

۲. بلوم، بنجامین و دیگران، طبقه بندی هدف های پرورشی، کتاب اول حوزه شناختی، ترجمه علی اکبر سیف و خدیجه علی آبادی، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۸.

۳. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سازمان سمت، ۱۳۷۲.

۴. سیف، علی اکبر، روان شناسی پرورش، تهران: انتشارات آگاه چاپ نهم، ۱۳۷۲.

۵. شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۶. صفوی، بهمن الله، روند تکوینی و تطبیقی تعلیم و تربیت جهانی در قرن بیستم، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۶۶.

۷. نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران: ظهوری، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

بنجامین بلوم (۱۹۱۳-۱۹۹۹) Benjamin Bloom

بنجامین بلوم در لنس فور دو واقع در پنسیلوانیای آمریکا متولد شد. او دوره لیسانس و فوق لیسانس را در سال ۱۹۵۳م در دانشگاه پنسیلوانیا گذراند و دوره دکتری تعلیم و تربیت را در سال ۱۹۲۴م در دانشگاه شیکاگو به پایان رساند. سپس به عضویت ستاد آزمون های دانشگاه شیکاگو درآمد. تا مدت ها مسئولان تعلیم و تربیت کشورهای گوناگون، از وی برای مشاوره های تربیتی دعوت به عمل می آوردند.

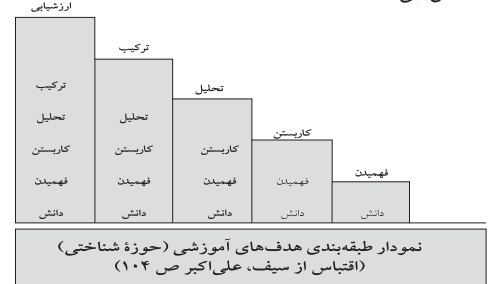


بلوم به عنوان معلم، محقق و استاد، خدمات فراوانی ارائه کرد. از او هجده عنوان کتاب به چاپ رسیده که تعدادی از آن ها به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. دیدگاه ها و نظریات اساسی او به این شرح است:

طبقه بندی هدف های تربیتی

بلوم با همکاری تعدادی از همکاران خود، هدف های آموزشی (هدف هایی که دانش آموزان پس از طی کردن یک دوره آموزشی می توانند به آن ها دست یابند) را طبقه بندی کرد. این طبقه بندی بسیار مشهور است و در آن هدف های آموزشی به سه حیطه یا حوزه شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی تقسیم شده است. در حوزه شناختی، دانش، معلومات و مهارت های ذهنی قرار گرفته اند. در حوزه عاطفی، علاقه ها، انگیزش و نگرش ها قرار گرفته اند و در حوزه روانی - حرکتی هم فعالیت هایی مطرح شده اند که هم جنبه جسمانی و هم روانی دارند؛ مانند نوشتن یا تایپ کردن.

طبق طبقه بندی بلوم، هدف ها در حوزه شناختی شش نوع و عبارت اند از: ۱. دانش؛ ۲. فهمیدن؛ ۳. کار بستن؛ ۴. تحلیل؛ ۵. ترکیب و ۶. ارزش یابی.



هدف ها در حوزه عاطفی نیز پنج مرحله دارد:

- دریافت کردن (توجه کردن)؛
 - پاسخ دادن؛
 - ارزش گذاری؛
 - سازمان دادن ارزش ها؛
 - تشخیص به وسیله یک ارزش یا مجموعه ای از ارزش ها.
- حوزه روانی - حرکتی را بلوم و همکارانش به اجزای کوچک تر طبقه بندی نکردند، ولی در هر صورت، این حیطه شامل فعالیت هایی مانند نوشتن، تایپ کردن، نواختن آلات موسیقی، ورزش کردن، و انجام دادن مشاغل و حرفه های گوناگون است.
- نکته مهم در ارتباط با طبقه بندی هدف های تربیتی این است که در آموزش باید به سطوح هدف ها توجه کنیم و فقط به سطوح پایین تر اکتفا نکنیم.



میر عباس کوه کمیری (۱۳۰۰)
معلم خلاق و مبتکر، خوی

میر عباس کوه کمیری در حالی که بیش از ۴۰ سال از بازنشستگی اش می گذرد، همچنان فعال و هوشیار است. او را باید از نخستین معلمان آموزش و پرورش خوی دانست. در ۱۱ سالگی به مدرسه رفت و در سال ۱۳۱۹ تصدیق ششم ابتدایی گرفت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد. هفت سال در مدرسه گوه ران خوی و سپس در مدرسه رازی و طور که در آن زمان کمتر کسی جرئت می کرد به آن جا برود - مدیر و معلم مدرسه شد سپس همان زمان (۱۳۳۱) سروصدایی به پا کرد، ساختن پلیس مصنوعی (نوعی ربات) برای سر چهارراه ها بود؛ اگرچه عقیم اندکی صنعتی جامعه، اجازه نداد آن دستگاه به تولید صنعتی برسد. همچنین در سال ۱۳۴۰ دستگاه پخت نان لواش را اختراع کرد. او شیوه های هم برای معدل گیری سریع نمرات دانش آموزان کشف کرده بود که کار ماشین حساب را انجام می داد. وی که اکنون در سن ۹۰ سالگی است، می گوید سال هاست روی طرح کاهش مصرف انرژی کار می کند و در این زمینه موفقیت هایی به دست آورده است.